

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من ميباد بدین بوم ویر زنده یک تن ميباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید غزل - ویرجینیا

پانزدهم جون 2013

حصار

ای آنکه در مجمر قلبم آب سردِ خموشی ریختی و بر درب لحظه های اضطراب
آور نبضم قفلِ سکوت آویختی!
آوانی که از اوج نشاط در قعر افسردگیم فگندی، دیدم که چه زود پروانه گمان و
باورم روی گلبن حقیقت پر زد. گمان این که روزی در بیراهه های تیره تنهائی
رهایم میکنی و آفاق را از اندوه دلم حزن و ملال میبخشی.
آه! به ساغر هستیم زهر ریختی و افسانه های شادی افزایش را به غننامه های
ماندگار سپردی. چه بسا سروده های نسروده من از جلوه ظلمانی جفای تو در پرتو
گرم احساسم خاموشی گرفت و در پهن مهر آفرین دستم حس داغ عطوفت یخ بست.
من نام عشق را از سرزمین غمبار حادثه های ریا و رنگ با خود بی ریا میبرم؛
در دوزخ هستی کسی باز نخواهد گشت تا روان زخمیم را مداوا سازد.
من ازین ستمکده سوزنده پا برون میکشم و تا سقف بلند آسمان از سنگ صبر
حصار میسازم و آنجا با معنای والای عشق انس میگیرم.

(ناهید "غزل" غنی زاده)